

## حقوق انکارناپذیر ایران در حوزه دریای خزر

نقطه اتصال میان چند منطقه استراتژیک بیش از هرزمان دیگری در معرض وزش تندبادهای پُر مخاطره در مقیاس تاریخی جهانی است؛ اگر به گستردگی مناطق جغرافیایی که ایران مفصل آنها شمرده می شود نگاهی بیفکنیم، ژرفای آنچه بیان شد، بهتر و دقیق تر درک می گردد.

ایران از یک سو راه ارتباط میان حوزه خلیج فارس و خاورمیانه با آسیای میانه، قفقاز و حوزه دریای خزر است و از دیگر سو، شبه قاره هند را به خاورمیانه و فلات آناتولی و در نهایت حوزه دریای سیاه و روسیه پیوند می زند. اینکه به میهن ما لقب

ادامه در صفحه ۴

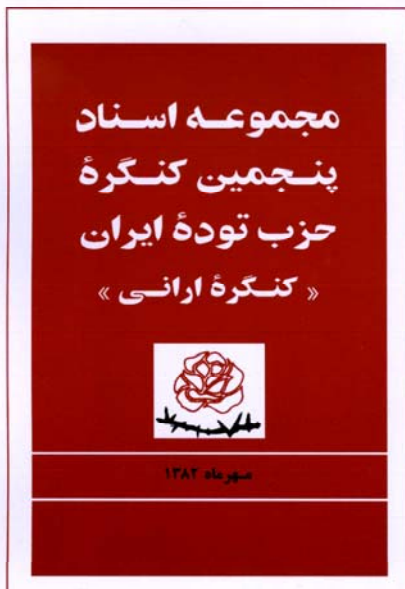
رژیم ولایت فقیه به دلیل سرشت واپس مانده و ضد ملی خود، قادر نگردیده از منافع ملی ایران در حوزه دریای خزر حفاظت کرده و ابتکار عمل را در معادلات این منطقه فوق العاده حساس به دست بگیرد و در نتیجه میهن ما در برهه یی دشوار، فرصتهای بزرگی را از دست داده است.

میهن ما، به لحاظ موقعیت منحصر بفرد جغرافیایی در مرکز یک رشته فعل و انفعالات عظیم تاریخی قرار گرفته است. ایران به عنوان



شماره ۶۸۷، دوره هشتم  
سال بیستم، ۵ خرداد ماه ۱۳۸۳

### منتشر شد



### لابلای خبرها

لاریجانی برای پست ریاست جمهوری آماده می شود و ضرغامی بر مسند صدا و سیما می نشیند

رسانه های گروهی گزارش دادند که بر اساس دستور سید علی خامنه یی دوره دهساله ریاست علی لاریجانی بر صداوسیما جمهوری

ادامه در صفحه ۲

### دوم خرداد ۱۳۸۳ - پایان خط و شکست مشی

### اصلاحات درون حکومتی و خط حفظ «نظام» ولایت فقیه!

دستگیر کنیم». مهدی کروبی، رئیس مجلس شورای اسلامی، دوره ششم که کار آن به پایان رسید نیز در سخنانی در توضیح کارنامه چند سال گذشته از جمله اشاره کرد که: «اصلاحات به معنای تکثیر، مردمسالاری و دموکراسی و رقابت جدی از بین نرفته، زیرا ماهیت انقلاب و قانون اساسی بر تداوم اصلاحات استوار است. قانون اساسی یک نوشته و پشتوانه اش مردم اند و مردمی با پیشینه و فرهنگ صد ساله مجلس، اصلاحات به معنای مردمسالاری دینی، نبود حاکمیت استبداد، وجود احزاب مختلف و فراکسیونهای مختلف در مجلس همواره ادامه می یابد و از بین نمی رود.» وی افزود: «ممکن است فراز و نشیبهایی باشد و گاه با حوادثی کمرنگ شود و یا اینکه از دو سو مورد سوء استفاده قرار گیرد؛ از یکسو برخی اصلاحات را برنتابند و برخی خارج از چارچوب معمول جامعه مسایلی را مطرح کنند اما طولی نمی کشد که در چارچوب قانون اساسی دوباره اصلاحات اوج می گیرد.» کروبی در جای دیگری از سخنان

سالگرد دوم خرداد، با سکوت نسبتاً معنا داری برگزار شد. خاتمی به خرمشهر رفت و دیگران نیز در صحبت های جسته و گریخته ضمن اشاره به این سالگرد به توجیه شکست برنامه «اصلاح طلبی» حکومتی پرداختند. سعید حجاریان، از نظریه پردازان جبهه دوم خرداد، و از مخترعان سیاست «آرامش فعال» در سخنانی که در روزنامه شرق انتشار یافت برخورد بین اصلاح طلبان حکومتی و مدافعان ذوب در ولایت را به «جنگ هوایی و زمینی» تشبیه کرد و اعتراف کرد که اصلاح طلبان به دلیل در دست نداشتن ابزارهای اساسی قدرت کار زیادی نمی توانسته اند انجام دهند. حجاریان گفت: «این مانند جنگی است که در هوا انجام می شود و تجهیزات هوایی مانند موشک، هواپیما، هلی کوپتر و ژاکس و غیره در کار است. درحالی که شما زمینی پیش روی می کنید... ما قوه قهریه نداشتیم. ما نمی توانستیم کسی را بگیریم. دخالت در کار وزارت اطلاعات جرم بود. با قوه مجریه نمی توانستیم کسی را

ادامه در صفحه ۶

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

## ادامه لابلای خبرها ...

اسلامی تنها رسانه صوتی و تصویری رسمی و بی رقیب کشور پایان یافت. علی آقا محمدی، قائم مقام رئیس سازمان صدا و سیما گفته است که با تشخیص مقام رهبری ریاست سازمان صدا و سیما یعنی رسانه ملی به یکی از نیروهای درون این سازمان که فردی کاملاً آشنا به این سازمان است، سپرده شد. ضرغامی معاون امور مجلس و شهرستان های سازمان صدا و سیما بود که دارای سابقه دوستی دیرینه ای با علی لاریجانی بود. او مهندس عمرانی است که مدرک کارشناسی از دانشگاه امیرکبیر دارد. پس از تجربه فضای نظامی سپاه در سالهای جنگ در دوران بازسازی به عرصه فرهنگی و هنری جامعه وارد شد.

جالب است ذکر شود که ضرغامی که از دانشجویان تسخیر کننده سفارت آمریکا بود که با احمدی نژاد، در آن جمع راه دیگری پیش گرفتند. آن ها در همان زمان هم خواهان تسخیر سفارت شوروی بودند. ضرغامی بعداً به سپاه و نیروی انتظامی رفت و در ۱۵ سال گذشته با لاریجانی در کارهایش به مثابه دو قلو عمل کرده است. گفته می شود که لاریجانی خود را برای پست بالاتر و شاید ریاست جمهوری آماده می کند. به نظر می رسد که گروه بندی خامنه یی رفسنجانی در صدد تقویت آبادگران با الگو برداری از کارگزاران اما با پوشش مذهبی تر هستند. اکثر این افراد در کارنامه خود سوابق تروریستی و چماقداری دارند. ضرغامی از نزدیکان صادق لاریجانی، احمدی نژاد، حداد عادل، غلامحسین الهام، حسن شریعتمداری، رحیم صفوی و نظائر آن ها است.

## استراتژی جدید یا ادامه بی عملی های سابق؟

در چند روز اخیر برخی از چهره ها و تشکل های وابسته به اصلاح طلبان حکومتی نشست ها یی را برگزار کردند و با مصاحبه هایی را ترتیب دادند. از مهم ترین آن ها می توان به کنگره مجاهدین انقلاب اسلامی و اظهار نظر سلامتی مبنی بر تغییر استراتژی جدید این سازمان با نام محدود کردن قدرت بود. حجاریان در یک مصاحبه با روز نامه شرق دوشنبه ۲۸/۲- ضمن اعتراف به بی عملی و ناتوانی های خود عدم برخورداری از پشتوانه مردمی را عامل شکست های این جناح می داند و می گوید که ما قوه قهریه نداشتیم. ولی حجاریان نگفت که با داشتن ۲۲ میلیون رای دیگر کدام پشتوانه توده یی را می خواستند؟ مسأله این جاست که آن ها نخواستند از مرز خودی و غیر خودی فراتر روند و حضور تشکل های مستقل مردمی را به رسمیت بشناسند و یا از حدود تشکل های خود ساخته گامی فراتر روند. آن ها مردم را فقط برای حضور در پای صندوق رای می خواستند و به آنان به عنوان ابزار برای ماندن خود در قدرت می نگریستند. زیرا نه فقط به هیچ یک از مطالبات بنیادین اقتصادی و اجتماعی آنان پاسخ ندادند که خود بر سرعت برنامه های ضد مردمی و از جمله سیاست های اقتصادی و اجتماعی دیکته شده از سوی بانک جهانی و صندوق بین المللی افزودند.

اقای حجاریان می گویند: «قبلا به من نسبت داده شده بود که فلانی قائل به فتح سنگر به سنگر ابراهیم دولتی است. این حرف چه راست و چه دروغ باشد. وقتی دولت و دستگاه های ایدئولوژیک آن مأمور مناسبی برای دیده بانی و حفاظت نباشند و یک شبه دود شوند و به هوا روند. چه فایده که آدم آن ها را یکی یکی فتح کند؟ این مانند جنگی است که در هوا انجام می شود و تجهیزات هوایی مانند موشک، هواپیما، هلی کوپتر و آژاکس و غیره در کار است. در حالی که شما زمینی پیش روی می کنید». حجاریان در جای دیگر می گویند: «ما قوه قهریه نداشتیم. ما نمی توانستیم کسی را بگیریم. دخالت در کار وزارت اطلاعات جرم بود. با قوه مجریه نمی توانستیم کسی را دستگیر کنیم.» تأکید از ما است. این خاک پاشیدن به چشم مردم است. آیا حماسه مردم در دوم خرداد یک جنگ هوایی بود؟ مردم خواهان تغییر بنیادی در وضع موجود بودند و برای آن ها

این مبارزه یک جنگ زمینی و آغازی برای یک تحول بود. اما اقایان که مصالح «نظام» را بر هر چیز دیگری مقدم داشته و می دارند، این مبارزه را از زمین به هوا کشاندند. زیرا مردم این تصور را نداشته و ندارند که باید ارتجاع حاکم داوطلبانه قوه قهری اش را واگذار کند. از این رو. برای گرفتن این قوه قهریه امادگی داشتند. آن که آمادگی نداشت و یا به عبارت بهتر توان آن را نداشت که با اتکا به مردم حداقل نهاد های انتصابی را به چالش کشد و آن ها را زیر مهمیز نهادهای انتخابی قرار دهد، همین اقایان بودند. نتیجه این بی عملی و عدم اعتقاد به مردم در بنیان های فکری و طبقاتی خود، آن شد که به تعبیر حجاریان دولت با پشتوانه ۲۲ میلیون رای یک شبه دود شود.

البته حجاریان در بخش های دیگر این مصاحبه و در توضیح «اصلاحات مردم. زنده باد اصلاحات» انتقاداتی را هم به عملکرد اصلاح طلبان در حکومت مطرح می کند که تنها برای کسب وجهه از دست رفته آنان با توجه به استراتژی جدید این نیرو ها است.

\* در روزنامه شرق همین روز نیز مقاله ای با امضای مهدی مکارمی چاپ شد که حاوی نکات قابل توجهی است.

در بخشی از این مقاله گفته می شود: «دفتر تحکیم وحدت باید در ابتدا به نقد از درون خویش بپردازد و جایگاه و کارکرد و عملکرد خود را در بیش از دودهم گذشته بازبینی کند. نقد خطاهای استراتژیک، رفتار سازمانی و تشکیلاتی. نوع تعامل با قدرت و جریان های سیاسی از یکسو و نوع تعامل با فلسفه وجودی خواهد توانست تحکیم را در ترسیم چشم انداز آینده کمک کند، همچنان که در نشست اخیر، فعالان تحکیم وحدت به نقد گذشته خود پرداختند. امروز نیز آسیب هایی دفتر تحکیم را تهدید میکند. اصرار و تأکید بر دعاوی مدرن و دموکراتیک و عدم التزام عملی به این دعاوی و تا حدی انسداد تشکیلاتی و ناهمخوان بودن رفتارها با گفتار و شعار از جمله چالش فراروی تحکیم است و فعالان این اتحادیه باید بتوانند این هماهنگی را متناسب با آهنگ سریع گذر زمان و تحولات روز ایجاد نمایند. به هر حال نقد کارکرد و عملکرد خود در گذشته و حال اتحادیه را برای ورود به دور جدید فعالیت خود کمک خواهد کرد.»

در جای دیگر این مقاله گفته می شود: «یکی از مسائلی که در نشست اخیر دفتر تحکیم وحدت مورد بحث قرار گرفت، باز تعریفی از بدنه جنبش دانشجویی بود... چرا که در یکی دو سال گذشته همه به ضعف بدنه جنبش دانشجویی پی برده اند. حقیقت آن است که بدنه تحکیم وحدت و انجمن های اسلامی متشکل و سازمان یافته و حاصل فرایند ی مدنی نبوده است. بلکه بیشتر جنبه پوپولیستی داشته است... برای فربه شدن بدنه دانشجویی... توجه به مسائل و مشکلات صنفی، آموزشی، رفاهی و... ضمن آن که مهم به شمار می روند و باید جایگاه ویژه ای داشته باشد، خواهد توانست انگیزه ای لازم را برای بدنه تقویت کند. لا اقل مسایل صنفی حس مشترکی را بین عامه دانشجویان ایجاد خواهد کرد... از این پس بدنه دانشجویی حول هر محور صنفی و اجتماعی که شکل گیرد. باید در فکر سازماندهی شدن و با برنامه بودن آن بود. بدنه دانشجویی می باید متشکل، شناسنامه دار و مستمر باشد و از رفتار مدنی حکایت کند و احساس مبتنی بر شور زود گذر نباشد... دفتر تحکیم وحدت اگر نگران آینده در جنبش دانشجویی است باید تا می تواند خود را باز کند به گونه یی که همه طیف هایی دانشجویی را در برگیرد. بسیاری از محدودیت های فعلی تشکیلاتی راه این مهم را سد کرده است و شاید از همین رو است که فعالان اتحادیه از لزوم تشکیل پارلمان دانشجویی سخن می گویند. پارلمان دانشجویی ضمن آن که می تواند مشکل ارتباط سیستماتیک شورای مرکزی با بدنه را حل کند، فضا را برای گسترش ظرفیت و حضور فعالان دانشجویی با سلیقه های مختلف فراهم می کند.»

صرف نظر از برخی کاستی ها در این مقاله و یا صرف نظر از راه پیشنهادی برای ارتباط سیستماتیک شورا با بدنه، ما چنین بحث های را که در دانشگاه ها گسترش یافته است، مثبت ارزیابی می کنیم.

ادامه لابلای خبرها ...

## اخبار جالب کارگری

- کارگران کارخانه چوب و صنعت ساوه در روز شنبه ۱۵/۲ در مقابل فرمانداری ساوه تجمع کردند. هزاران نفر از بانوان همدانی در پاسداشت روز جهانی کارگر در یک مسیر طولانی راه پیمایی کردند.

- کارخانه روغن کشتی بهپاک بهشهر به دلیل سیاست های غلط دولت دچار بحران شدید شده است. بحران این کارخانه از تأمین نشدن دانه های روغنی است. حدود ۵۰۰ نفر از کارگران پروین اصفهان در مقابل فرمانداری این شهر تجمع کردند. کارگران می گویند که مدیر کارخانه ۴ ماه است که خود را نشان نمی دهد. بیمه بیکاری ما تمام شده است و در رابطه با پرداخت حقوق و مزایای ما اقدامی نشده است.

- محجوب در نطق خود در مجلس اعلام کرد که کل بیکاران تا پایان سال ۸۲ سه میلیون و سیصد و بیست هزار نفر بوده است و بیش از یک میلیون بازنشسته وزن خانه دار به دلیل ضعف معیشتی ناچار به کار شده و معادل یک میلیون و دویست هزار نفر دو شغلی هستند یا به اضافه کاری طاقت فرسا مشغولند.

- صنایع خودرو سازی کرمان ۲۲۰۰ نفر از کارگران خود را اخراج کرد.

- به دنبال درگیری کارگران شرکت قفل ایران در قزوین با مدیر تولید ۴ نفر از کارگران بازداشت شدند. سخت گیری های بی مورد و هتک حرمت و فحاشی علت این درگیری بوده است.

- به دنبال حذف تسهیلات معافیت بازرگانی اشتغال بیش از ۵ هزار کارگر در آبادان و خرمشهر به خطر افتاده است.

- طی ماه های اخیر کارخانجات خوش، حصیر بافی هرمزگان، ناوشو و طراوت بندر تعطیل و کارگران آن ها بیکار شدند.

- مدیر کارخانه پاک سام در یک اقدام صوری با تغییر نام قصد اخراج کارگران رسمی و جایگزین کردن کارگران قراردادی را دارد.

- کارگران کارخانه پروین اصفهان چند روزی است که در مقابل فرمانداری به عنوان اعتراض تجمع می کنند.

- همسران برهان دیوانگرو جلال حسینی دوتن از دستگیر شدگان مراسم اول ماه مه در سقز روز ۲۳/۲ با صدور نامه سرگشاده در سایت های اینترنتی نسبت به وضع آن ها ابراز نگرانی کردند.

- در پی اجرای تعدیل ساختاری کارخانه ها ۳۵۰ نفر از کارگران خود را اخراج کرده و ۶ نفر راهم به دلیل اعتراض به دادگاه کشانده اند. همچنین کارخانه شمس اراک تعطیل و کارگران آن بیکار شده اند. مدیر این کارخانه فراری شده است. این کارخانه در زمینه تولید موکت و زنج فعال بود.

- کارگران کارخانه چینی هیس ابهر از روز ۲۹/۲ در اعتراض به وضع خود در مقابل فرمانداری این شهر تجمع کردند.

- ۸۲ رسال بیش از ۸ هزار شکایت از طرف کارگران به ادارات کار

ارایه شده است، اما بیش از ۶۰ درصد رای صادره به نفع کارفرما ها و به ضد کارگران مبنی بر اخراج آنان بوده است.

- در پی افزایش قاچاق نخ و پيله از کشور های آسیای میانه و چین کارخانه ابریشم گیلان تعطیل و ۳۰۰ نفر کارگران آن بیکار شدند.

- شرکت ذغال سنک البرز مرکزی که طی سالهای گذشته ۷ هزار کارگر داشت. حدود ۶۰۰۰ کارگر خود را اخراج کرده است.

- حسن زاده صادقی گفت از سال ۷۹ تا به حال تعداد شوراهای اسلامی کار ۵۰ درصد و انجمن های صنفی کارگری ۴۳ در صد کاهش یافته است.

- صادقی در دیدار با وزیر کار سوریه گفت تشکل های کارگری

ایران ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار عضو مستقیم و غیر مستقیم دارد. اما مسئولان در حال حاضر حرکتی را در ساختار برون مرزی دنبال می کنند که در نهایت به تضعیف شورا های اسلامی کار و حرکت به سوی سند یکالیسم است و دیدگاه اسلامی شورا ها را با دید فرهنگی سندیکایی زیر سؤال می برند.

## پیام همبستگی با حزب کمونیست پرترغال در ۳۰ مین

## سالگرد انقلاب آوریل

کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت مراسم بزرگداشت ۳۰مین سالگرد انقلاب ۲۵ آوریل ۱۹۷۴ پرترغال، پیام تبریک و همبستگی ای خطاب به رفیق کارلوس کاروالهاس، دبیرکل، و کمیته مرکزی حزب کمونیست پرترغال ارسال داشت. در پیام کمیته مرکزی حزب مان، ضمن تاکید بر اینکه «انقلاب ۲۵ آوریل که در آن حزب کمونیست پرترغال نقشی تعیین کننده ایفاء کرد، به حکومت ۴۸ ساله فاشیست ها پایان داد و امکان تجدید حیات دموکراتیک در پرترغال را ایجاد نمود» با اینکه انقلاب آوریل بر رغم پتانسیل والای آن به دلیل عملکرد نیروهای سرمایه داری و دست راستی از جامه عمل پوشاندن به شعار های اصلی خود بازماند، اشاره شده است. پیام کمیته مرکزی ضمن اظهار امیدواری به پیروزی زحمتکشان و طبقه کارگر پرترغال در مبارزه برای صلح، پیشرفت و سوسیالیسم تحت رهبری حزب کمونیست پرترغال به اهمیت تعمیق و گسترش روابط تاریخی دو جانبه بین دو حزب اشاره کرد.

## پیام متقابل کمیته مرکزی حزب کمونیست پرترغال به کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای عزیز

ما از پیام گرم شما به مناسبت ۳۰مین سالگرد انقلاب ۲۵ آوریل که بر دیکتاتوری فاشیستی نقطه پایان گذاشت و امکان برای یک دگرگونی عمیقاً دموکراتیک ترقی خواهانه را ایجاد کرد، و ارزش ها و ایده آل های آن هنوز در میان کارگران و مردم پرترغال زنده است، تشکر می کنیم. مراسم بزرگداشت انقلاب پرترغال، رخدادی که برای همیشه در تاریخ کشور ما به عنوان یک واقعه برجسته و بینظیر در مبارزه مردم پرترغال برای دموکراسی و پیشرفت اجتماعی ثبت خواهد بود، در ۳۰مین سالگرد خود با یک بحث شدید سیاسی - ایدئولوژیک و تظاهرات چشمگیر توده ها جشن گرفته می شود. حزب ما که به سهم خود در ممکن کردن انقلاب آوریل و همچنین در روند انقلابی، مباحث می کند، این روز را در عمل به مبارزه بر ضد سیاست های دولت دست راستی کنونی تبدیل کرده است. تلاش های دولت برای منزله جلوه دادن فاشیسم و معکوس کردن دستاورد های مهم ۲۵ آوریل موفق نشده است. کاملاً آشکار است که مبارزه برای حفظ حقوق و دستاورد های کسب شده در ۲۵ آوریل که مورد تهاجم و حمله سخت دولت های متوالی حزب سوسیالیست و یا حزب سوسیال دموکرات، به تنهایی و یا در ائتلاف، قرار دارند، هم عملی و هم ضروری می باشد.

ما از این فرصت برای تقویت همبستگی بین المللی که انقلاب پرترغال را در حفاظت خود گرفت، و در شرایط بین المللی حاضر ضرورت تقویت آن در میان کمونیست ها، ترقی خواهان و نیروهای ضدامپریالیستی تمامی کشورها احساس می شود، بهره می جوئیم.

با درود های برادرانه  
حزب کمونیست پرترغال

## ادامه حقوق انکار ناپذیر ایران ...

نقطه پیوند شرق و غرب می دهند، کاملاً قابل درک است. در طول تاریخ پُر فراز و نشیب سرزمین کهن سال ما، همواره شاهد آن بوده ایم که تمدن های گوناگون در مقاطع تاریخی معین در آن با یکدیگر تلاقی و ارتباط یافته اند. پس از فروپاشی اتحاد شوروی و تشکیل کشورهای نو بنیاد در قفقاز و آسیای میانه و بطور کلی تغییر توازن در سطح جهانی، اهمیت استراتژیک ایران هم به لحاظ ژئوپلیتیک و هم از نقطه نظر ژئواکونومیک (جغرافیای اقتصادی) بیش از گذشته برجسته گردیده و درست به همین دلیل، منافع ملی و تامین آن به عاملی بسیار حساس در معادلات داخلی و نیز روابط خارجی بدل شده است. به این امر، باید حضور نظامی امپریالیسم در مجاورت مرزهای کشور را افزود. در ارتباط با موارد مورد یاد شده، در دریای خزر تاکنون میهن ما به علت حضور و بقای رژیمی واپس مانده و خود کامه، نتوانسته است با توجه به حقوق انکار ناپذیر تاریخی و ظرفیتهای بی همتای فرهنگی اقتصادی متناسب با این حقوق، از تغییرات این منطقه بهره مند گردد. در طول حداقل ده سال گذشته جمهوری اسلامی با اتخاذ سیاست خارجی ماجراجویانه و مغایر با منافع ملی در رقابت با کشورهای نظیر ترکیه، پاکستان و روسیه که دو کشور نخست با همیاری و اشاره امپریالیسم به ویژه آمریکا از ضعف ایران سود جسته و با اتخاذ سیاستی گستاخانه تنش آفرین در صدد تحکیم موقعیت خود بوده و هستند؛ با ناکامی های بزرگ و جبران ناپذیر روبه رو شده است. این ناکامی ها باعث کم رنگ شدن نقش تاریخی و به حق میهن ما در حوزه دریای خزر می باشد و اگر این روند ادامه یابد، از نقطه نظر تاریخی ما با یک فاجعه مواجه خواهیم شد.

اکنون در کنار رقبای سابق، حضور چین و چند طرح پیشنهادی آن، باز هم منافع ملی ایران به چالش طلبیده شده است. همزمان با افتتاح طرح راهبردی سوآپ نکا-ری (که باید به خاطر تاخیر چندین ساله رژیم ولایت فقیه در این زمینه پاسخگوی مردم باشد) مقامات جمهوری قزاقستان اعلام داشته اند، چین در رقابت با طرح ایران، پیشنهاد احداث شاه لوله ای را برای انتقال نفت و گاز از این جمهوری به داخل خاک چین ارایه کرده است. این خط لوله که طول آن ۱۳۰۰ کیلومتر خواهد بود، هزینه انتقال نفت و گاز به چین از قزاقستان را ۵/۳ دلار در هر بشکه کاهش می دهد. طرح ایران، یعنی طرح راهبردی و پُر اهمیت سوآپ نکا-ری تا پیش از این یگانه راه پُر منفعت و کم هزینه در مقابل طرح های ترکیه و پاکستان بود. بر اساس طرح سوآپ نکا-ری، ایران نفت قزاقستان و دیگر کشورهای آسیای میانه را در شمال کشور دریافت کرده و به پالایشگاه های تهران و تبریز انتقال می دهد و در مقابل به همان میزان نفت را در پایانه های نفتی جنوب کشور تحویل خریداران می دهد.

ظرفیت انتقال و تصفیه نفت خام طرح سوآپ نکا-ری در حال حاضر ۱۲۰ هزار بشکه در روز است که قرار است در طول سه سال آینده به بیش از ۳۷۰ هزار بشکه افزایش پیدا کند. طرح انتقال و تصفیه نفت حوزه خزر تاکنون مراحل چندینی را از سر گذرانده است. تجهیز و توسعه بندر امیرآباد در استان مازندران، تجهیز پالایشگاه های تهران، تبریز و آغاز توسعه پالایشگاه اراک، ساخت نفتکش ۴۸۰۰ تنی ایران-نکا، توسط شرکت ملی نفتکش (علیرغم آنکه مدافعان خصوصی سازی خواستار انحلال این شرکت هستند) ساخت نخستین حوضچه خشک ۱۰۰ هزار تنی برای تولید کشتی هایی با ظرفیت حداقل ۶۳ هزار تن، از جمله اقدامات مهمی هستند که برای میهن ما

جنبه حیاتی دارند. علاوه بر اینها، باید به برپایی سکوی حفاری ویژه سکوی حفاری نیمه شناور البرز که، توانایی حفاری در ژرفای یک هزار متری و شش هزار متری از بستر دریا را دارد اشاره کرد.

پرواضح است، حضور قدرتمند چین با توجه به رشد اقتصادی بالای این کشور، طرح های ایران را به چالش می گیرد. این مساله را باید در کنار سیاست خصمانه و یکجانبه ایالات متحده در ارتباط با نقش ایران در آسیای میانه قرار داد. به عبارت دقیق تر، طرح سوآپ نکا-ری که به موجب آن نفت و گاز روسیه، قزاقستان و ترکمنستان بوسیله راه پُر سود و مطمئن ایران به خارج (اروپا، آمریکا و خاور دور) صادر شود، رقیب راه مورد نظر امپریالیسم یعنی خط لوله خزر-جیحان (راه ترکیه) به شمار می آید. برپایه طرح ایران، انتقال نفت و گاز حوزه دریای خزر و قفقاز، کشورهای چین روسیه، قزاقستان، ترکمنستان و جمهوری آذربایجان میلیون ها دلار صرفه جویی می کنند. مطابق برآورد کارشناسان بین المللی هزینه خط لوله از راه ترکیه ۳ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار یعنی حدود ۱۰ برابر طرح ایران، هزینه دارد. به این ترتیب، اهمیت تامین منافع ملی ایران در شرایط بغرنج و دشوار و حضور رقبایی مانند چین، کاملاً آشکار است. در این خصوص باید با سرعت و دقت و با توجه به منافع و مصالح کشور، سیاستی را طرح و به مورد اجرا گذارد، که توسعه روابط دوستانه با چین لطمه وارد نیاورد و در عین حال با قدرت و بی تزلزل تامین کننده منافع ملی در رقابت با این کشور آسیایی دوست باشد. هرگونه رفتار ماجراجویانه و تحریک آمیز و نیز اتخاذ سیاست انفعالی و متزلزل از موضع ضعف برای کشور زیان بار خواهد بود. پرسش اینجاست، آیا رژیم ولایت فقیه توانایی تشخیص اولویت ها را در راه تامین منافع ملی در منطقه حساس حوزه دریای خزر دارد و می تواند با مهارت در بازی های پیچیده حافظ حقوق حقه مردم ایران باشد؟! نگاهی به تجربه پشت سر، ما را با پاسخ منفی روبرو می سازد. مادامیکه گروهی خود کامه و نوکیسه اهرم های قدرت را در دست دارند و حقوق مردم را پایمال می کنند، نباید انتظار کامیابی و تامین منافع ملی را در معادلات منطقه ای داشت. بنابراین دفاع از حقوق انکار ناپذیر و تاریخی ایران در آسیای میانه، حوزه دریای خزر و قفقاز و تامین منافع ملی با مبارزه در راه طرد رژیم ولایت فقیه پیوند تنگاتنگ دارد.

## به یاد رفیق داوود صلحدوست!

مطلع شدیم، رفیق داوود صلح دوست از مبارزان پرسابقه جنبش چپ ایران، بر اثر سکته قلبی در تهران درگذشت. رفیق داوود صلح دوست در سال های جوانی به صفوف جنبش زحمتکشان ایران پیوست و در دوران رژیم شاه در ارتباط با گروه فلسطین دستگیر و روانه زندان شد.

رفیق داوود صلح دوست در همین دوران با نظرات و دیدگاههای حزب توده ایران آشنا گردید و پس از آزادی که مقارن با انقلاب بهمین بود، در صفوف حزب به مبارزه ادامه داد. او در یورش دوم به حزب در سال ۱۳۶۲ بار دیگر دستگیر شد و سالها در سیاه چال های رژیم ولایت فقیه به سر برد. رفیق صلح دوست جمعا حدود ۱۸ سال از عمر خود را در زندان گذراند.

حزب توده ایران درگذشت رفیق صلحدوست را به خانواده، دوستان و همه رفقای حزبی تسلیت می گوید. یادش گرامی و راهش پر رهرو باد!

## فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری اقدامات دولت بوش بر ضد مردم کوبا را محکوم می‌کند و خواهان اجرای قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد مبنی بر پایان دادن به محاصره کوبا شد.

فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری پس از دریافت واکنش‌ها و ابراز احساسات از سوی سازمان‌های اتحادیه‌های کارگری وابسته و یارانش در پنج قاره، که این فدراسیون را تشکیل می‌دهند، خود را موظف دانست در این مورد بیانیه‌ی خطاب به جامعه جهانی صادر نماید. در تاریخ ششم ماه مه دولت بوش قوانین جدیدی را در سیاست خود علیه کوبا اعلام نمود که می‌توان گفت چکیده‌ی بیزاری شدید شخص بوش نسبت به خلق کوبا که حاضر به تسلیم شدن نیستند، می‌باشد. چنین اقدامات ستمگرانه‌ی بی، که خشم و انزجار زحمتکشان و مردم را در دنیا برافروخته است، دخالت‌ننگین و خودپسندانه در امور کشوری با حاکمیت ملی و مستقل و نقض شدید قوانین بین‌المللی تلقی می‌شود زیرا هدف از این اقدامات جز به زیر کشیدن دولت کشوری با عضویت در سازمان ملل متحد و از بین بردن نظام سیاسی مورد تأیید مردم کوبا، نیست. اقدامات اعلام شده اخیر را باید در راهبری ادامه‌شده‌ی فاشیستی و تبهکارانه بوش برای شکست مردم از راه‌گرسنگی، تنگتر کردن حلقه محاصره با تحریم‌های فراتر اقتصادی و بازرگانی تحمیل شده به مدت بیش از ۴۵ سال دانست. لیکن این اقدامات که همان به زور واداشتن مردم کوبا برای تن در دادن به خواستهای بوش است، به سبب پشتیبانی مردم دنیا و به این دلیل که انقلاب کوبا امروز نماد نیروی مقاومت شرافتمندانه و متانت برای توده‌هایی است که برای استقلال و حاکمیت ملی پیکار می‌کنند، ره به منزل نخواهند برد. در این طرح اهریمنی رهنمودهای مشخصی معین شده‌اند که می‌توان از واگذاری کمک‌های مالی هنگفت به گروه‌های تروریستی شناخته شده و درگیر کردن سازمان‌های غیردولتی و دیگران در تضعیف و براندازی انقلاب کوبا، که به شدت نگران‌کننده است اشاره کرد. و در عین حال مجازات شدیدتری برای آن شرکت‌هایی که با کوبا تجارت می‌کنند در نظر گرفته شده و فشار برای تحریم صنعت گردشگری کوبا و دولتهای تسهیل‌کننده مسافرت به آن کشور، افزایش یافته است. پس از اعلام شدن این طرح، بسیاری از کشورها مخالفت خود را با سیاست‌های بوش علیه کوبا، ابراز کردند. از این رو فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری، در هماهنگی با درخواست سازمان‌های وابسته و دوستانش در پنج قاره، با تمام نیرو اقدامات اخیر بوش علیه زحمتکشان و مردم کوبا را قاطعانه محکوم می‌کند و خواستار احترام به قوانین بین‌المللی، حق ملت‌ها برای انتخاب آزاد حاکمیت و نظام سیاسی و تحقق خواست‌های دوباره تأکید و تصویب شده اخیر در مجمع سازمان ملل مبنی بر خاتمه دادن به محاصره تبهکارانه مردم قهرمان کوبا است. فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری همبستگی طبقاتی خود را با کانون کارگری کوبا، نماینده راستین زحمتکشان و پشتیبانی کامل خود را با انقلاب کوبا و مردم قهرمان آن اعلام می‌دارد. ما اطمینان داریم که مردم کوبا پس از شکست این ترفند جدید امپریالیسم، سربلند و استوارتر بیرون خواهند آمد. مردم کوبا در مبارزات خود هرگز تنها نبوده‌اند و این بار نیز تنها نخواهند ماند. فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری از اطلاعیه‌های منتشره کانون کارگری کوبا در تاریخ‌های ۸ و ۱۲ ماه مه سال ۲۰۰۴، که توطئه‌های دولت آمریکا و کارگزاران ویژه و حمایت مالی مزدوران و دیگر دست‌اندرکاران را افشاء کرده است، حمایت و آنها را مورد تأیید کامل قرار می‌دهد. این فدراسیون همچنین تحریم اقتصادی اتخاذ شده اخیر از سوی دولت آمریکا علیه سوریه را نیز بشدت محکوم می‌کند و در عین حال همبستگی خود را با کارگران و مردم سوریه اعلام می‌دارد و خواهان لغو این محدودیت‌ها و احترام گذاشتن به قوانین بین‌المللی است.

پراگ، ۱۳ ماه مه ۲۰۰۴

## پیام تبریک حزب توده ایران به نیروهای کمونیست و چپ هند به مناسبت نتایج انتخابات پارلمانی

به کمیته مرکزی حزب کمونیست هند  
به کمیته مرکزی حزب کمونیست هند (مارکسیست)

رفقای عزیز

کمیته مرکزی حزب توده ایران تبریکات خود را به حزب کمونیست هند، حزب کمونیست (مارکسیست) و دیگر نیروهای چپ هندوستان به مناسبت نقش کلیدی شان در شکست چشمگیر «بی.جی.پی.» (حزب بهاراتیا جاناتا) و متحدان ارتجاعی آن هم در هند و هم در صحنه بین‌المللی تقدیم می‌دارد.

ما بر این باوریم که به دلیل تاثیر قابل توجه هند بر تحولات آسیا و هم چنین نقش مهمی که کشور شما در جنبش غیر متعهد ها ایفاء می‌کند، این پیروزی انتخاباتی می‌تواند نتایج مثبت مهمی را هم در هند و همچنین در منطقه و عرصه بین‌المللی بدنبال داشته باشد.

مواضع اصولی و نمونه وار اتخاذ شده توسط نیروهای کمونیست طی کارزار انتخاباتی و همچنین در رابطه با نتایج این انتخابات، مشوق و الهام بخش نیروهای دموکراتیک در سراسر جهان است.

شکست قاطع نیروهای ارتجاعی و قوم‌گرا تحت رهبری «بی.جی.پی.» که منافع ثروتمندان و سرمایه بزرگ را نمایندگی می‌کنند، امکان تغییر در سیاست‌هایی که منافع طبقه کارگر، فقرا و متحدان آنان را تخریب می‌کند، و همچنین امکان جلوگیری از طرح‌های برتری طلبانه امپریالیستی تحت رهبری آمریکا در این منطقه مهم استراتژیک جهان، به وجود آورده است.

موفقیت تعیین‌کننده نیروهای چپ در هندوستان در این انتخابات و تصمیم آنان به گسترش حمایتشان از ائتلاف اکثریت تحت رهبری حزب کنگره هند پایه‌های یک دولت نیرومند، باثبات و سکولار را که می‌تواند به صورت استراتژیک در جهت منافع مردم هند عمل نماید و یک سیاست خارجی صلح‌آمیز و مستقل را دنبال کند، ایجاد کرده است. این پیروزی انتخاباتی تاریخی نیروهای چپ را قادر می‌کند که هشیارانه و با مداومت در جهت برنامه‌ی بی که منافع نیروهای ارتجاعی و قوم‌گرا را مسدود می‌کند و بازگشت آن‌ها را به قدرت مانع می‌شود و استراتژی‌های اقتصادی‌ی بی را در جهت متوقف کردن خصوصی‌سازی، ایجاد اشتغال و گسترش تمهیدات در جهت تامین منافع فقرا و به حاشیه رانده شدگان به مرحله اجرا می‌گذارد، عمل کنند. کمیته مرکزی حزب توده ایران بار دیگر صمیمانه‌ترین آرزوهای خود را برای موفقیت کمونیست‌های هندی در مبارزه شان برای از بین بردن میراث ضد کارگری «بی.جی.پی.» و متحدانش، دفاع از منافع طبقه کارگر و فقرا، مخالفت با نفوذ امپریالیسم و تقویت یک هند دموکراتیک و صلح‌آمیز تقدیم می‌دارد. ما به پیروزی شما در مبارزه برای صلح، پیشرفت و سوسیالیسم در هند اطمینان داریم.

زنده باد همبستگی انترناسیونالیستی

پیروز باد مبارزه طبقه کارگر هند برای صلح، پیشرفت و پیشرفت اجتماعی

زنده باد صلح جهانی و سوسیالیسم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۸ ماه مه ۲۰۰۴

## ادامه دوم خرداد ۱۳۸۳ ...

خود با تکرار این نظر که قانون اساسی جدا از ولایت فقیه نیست افزود: «همواره اصلاحات را در چارچوب اسلام، جمهوری اسلامی پذیرفته ایم و تاکید کرده ایم که کسی را نباید به خاطر فکر و عقیده اش تعقیب و تحقیر کرد. اصلاحات را در چارچوب جمهوری اسلامی ایران قبول داریم و پایبند به تمام ابزار و لوازمش هستیم. قانون اساسی و مقررات جمهوری اسلامی، حقوق همه شهروندان و معاندین را تضمین می کند، حال با این تفکر می خواهید مرا اصلاح طلب و یا اصول گرا بپذیرید... ما قانون اساسی را قبول داریم و از ولایت فقیه نیز تبعیت می کنیم اما بعضی در جایی که ولی فقیه خوشایندشان نیست، تعلل می ورزند و گاهی خوشایندشان است به آن استناد می کنند، اما ما همواره آن را پذیرفته و عمل کرده ایم.»

کروبی با تکرار حرف هایی که مرتباً در هفت سال گذشته مطرح کرده است عده ای مجهول الهویه را به عنوان مشکل اساسی معرفی کرد و گفت که این گروه «غیبی» نگذاشتند مسایل نجور که من و ختمی می خواستیم جلو برود و گر نه همه این مشکلات حل می شد. البته کروبی نگفت که ارتباط این مراکز غیبی با دستگاه رهبری رژیم که تعیین کننده سیاست های کلان اقتصادی، سیاسی و امنیتی کشور بوده است چیست. در مقابل این چنین تحلیل هایی که چیزی جز تکرار خسته کننده سیاست های سازشکارانه و در انتها خلاف منافع اکثریت عظیم مردم میهن ما نیست تجربه هفت سال گذشته بسیاری از نیروهای اجتماعی را به نظرات عینی و روشن تری از علل شکست روند کنونی رسانده است. اگر در فردای دوم خرداد و در پس هیاهو های تبلیغاتی اندک بودند نیروهایی که همچون حزب توده ایران اعلام می کردند که در چارچوب ادامه رژیم ولایت فقیه نمی توان به اصلاحات و آینده آن خوش بین بود امروز این نظر در طیف وسیعی از نیروهای اجتماعی و سیاسی میهن ما مورد قبول واقع شده است. از نمونه های روشن این روند از جمله می توان اشاره کرد به سخنان علی افشاری که در تحلیل شکست روند اصلاحات می گوید: «حتی اگر فرض کنیم که رد صلاحیت ها انجام نگیرد، هر کس در مصدر ریاست جمهوری قرار بگیرد، در چارچوب فعلی حاکمیت نمی تواند کاری انجام دهد... با انسدادی مواجه هستیم که اجازه اصلاح و تحولات مدنظر مردم که مفید به حال کشور است را نمی دهد، لذا حرکت به سوی دموکراسی و به سوی پیشرفت ناگزیر از بیرون حاکمیت قابل اجرا می باشد و از همین منظر اپوزیسیون قانونی بی معنا است.»

حزب توده ایران دوم خرداد ۷۶ را رفراندوم تاریخی مردم میهن ما در نفی رژیم ولایت فقیه و برنامه پیشنهادی «نماینده اصلح» آن برای اداره امور کشور ارزیابی کرد. هفت سال پیش بیش از بیست میلیون ایرانی ناراضی از ظلم و استبداد حاکم به پای صندوق های رأی رفتند و امیدوار به آینده و تحقق تحولات به ریاست جمهوری آقای خاتمی رأی دادند. پایه های خوشبینی مردم قول هایی بود که خاتمی و یاران او در زمینه تحقق جامعه مدنی و استقرار حکومتی «مردم سالار» می دادند و معتقد بودند که می توان به چنین خواست هایی با حفظ «نظام» موجود دست یافت. حزب توده ایران از پیش از دوم خرداد ۷۶ و در تمامی این هفت سال در عرصه های گوناگون، ضمن حمایت پیگیر از مبارزات جنبش مردمی برای دست یابی به حقوق پایمال شده مردم، همواره بر این نظریه تأکید کرده است که با

حفظ رژیم استبدادی کنونی نمی توان خواست اکثریت قاطع مردم میهن ما را در زمینه استقرار آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی تحقق بخشید. ما در تمامی این هفت سال در مقابل همه نظریه پردازان های گوناگون، از جمله اتخاذ سیاست هایی همچون «آرامش فعال»، «چانه زنی در بالا» و جز این ها همواره به این اعتقاد بوده ایم که سرنوشت مبارزه در راه تحقق اصلاحات در میهن ما ارتباط گسست ناپذیری با بسیج نیروهای اجتماعی و انبوه توده های میلیونی به صحنه آمده دارد. بدون بسیج کارگران، زحمتکشان، جوانان و دانشجویان و زنان مبارز و بدون تشدید و گسترش مبارزه در بطن جامعه حول شعارها و برنامه سیاسی واحد نمی توان امیدوار بود که ارتجاع حاکم با تمام امکانات وسیع و سرکوبگرانه اش، تنها از سر نصحیت و «به عقل آمدن» سکان قدرت را به نفع خواست های مردمی رها کند. تجربه هفت سال گذشته، و از جمله موضع گیری های اخیر کسانی همچون حجاریان، که روزی مبتکر سیاست «آرامش فعال» بود و امروز ناچار است به درک این واقعیت گردن نهد که عدم بسیج نیروهای اجتماعی از اشتباهات بزرگ بود در کنار واقعیات روز جامعه ما و بن بست سیاست مذاکره با ارتجاع حاکم همگی مویذ نظریه بالاست.

مماشات گری و تسلیم طلبی بخش اساسی رهبری جبهه دوم خرداد با تاریک اندیشان و مرتجعان حاکم، گام به گام به اعتماد عمومی ضربه زد و موجب پراکندگی و دلسردی نیروهای اجتماعی هوادار اصلاحات شد. گردن نهادن به مرزهای ارتجاعی «خودی» و «غیر خودی» و تن دادن به نظریه «حفظ نظام» که چیزی جز حفظ رژیم قرون وسطایی ولایت مطلقه فقیه نیست سبب شد که در مقاطع حساس در هفت سال گذشته آنگاه که اتخاذ سیاست های روشن و قاطع ضروری بود، سکوت و تسلیم پیشه شد و امکانات تاریخی مهمی از دست رفت.

دوم خرداد ۱۳۷۶، خیزش تاریخی مردم میهن ما بر ضد رژیم استبدادی حاکم بود. این خیزش تاریخی و جنبش مردمی که آفریننده آن بود بررغم همه فراز و نشیب ها، بررغم دلسردی ها و افت و خیزها، همچنان پایبند به آرمان های والای آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی به پیکار خود ادامه می دهد. خاتمی و یاران او در صورت اعتماد به مردم و بسیج نیروی عظیم به صحنه آمده می توانستند زمینه ساز تحولات مهمی در میهن ما گردند اما این فرصت تاریخی به علت بی اعتمادی و بی اعتقادی به مبارزه توده ها و در عین حال ترس از اینکه کنترل امور از دست آنان نیز خارج شود، از بین رفت. این نظریه اصلاح طلبان و خاتمی درست است که امروز جامعه ما در شرایط متفاوتی از دوم خرداد ۱۳۷۶ قرار دارد. شرایط امروزی میهن ما بن بست روند اصلاحات، تشدید تهدیدات خارجی و گسترش تهاجمات ارتجاع برای تحکیم قطعی پایه های حکومتی اش است. در چنین وضعیتی بی شک ادامه سیاست های تجربه شده و شکست خورده گذشته ثمری جز تأمین خواست ها و برنامه های تاریک اندیشان حاکم به همراه نخواهد داشت. امروز بخش های وسیعی از نیروهای سیاسی - اجتماعی جامعه ما به درستی به این نتیجه مهم رسیده اند که باید خود را از حصارهای حکومتی و مرزهای «خودی و غیر خودی» رها کنند و متحد و همگام جبهه وسیعی بی را برای مقابله با استبداد حاکم و دست یابی به دموکراسی، آزادی و عدالت اجتماعی تدارک ببینند. دوم خرداد ۱۳۸۳ پایان خط و شکست مشی اصلاحات درون حکومتی و خط حفظ «نظام» ولایت فقیه است. تنها با درک این واقعیت مهم و تاریخی است که می توان زمینه گام های بعدی را در راه تحقق اصلاحات پایدار، دموکراتیک و بنیادین تدارک دید.

## ادامه پیروزی تاریخی ...

کردند که شامل ۲۶۰ میلیون نفر است. این در حالی است که بنا به گزارش «سازمان گسترش انسانی» این رقم به ۳۰ درصد در سال گذشته رسیده است که خود به مفهوم این است که بیش از ۶۰ میلیون نفر در گرسنگی به سر می برند و این در برگیرنده ۶۰ میلیون کودک زیر ۶ سال است.

در بخش آموزش و پرورش نیز بودجه بسیار ناچیز دولتی در سال ۲۰۰۲ که برابر با ۳/۱ درصد بود به ۲/۹ درصد در سال ۲۰۰۳ کاهش یافت. در بخش بهداشت و درمان نیز به همین ترتیب بودجه دولتی به میزان ۱/۴ درصد در سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۲ کاهش یافته است. هند در حال حاضر از نظر توسعه انسانی در مقام صد و بیست و هفتم در بین ۱۷۵ کشور جهان قرار دارد. در سال گذشته هند مقام صد و بیست و چهارم را در جهان داشت.

چنین سیاست هایی سبب شکست غیر منتظره حزب «بهاراتیا جاناتا» شد که تا قبل از انتخابات انتظار می رفت پیروزی چشم گیری را به دست آورد. در واکنش به این پیروزی، بازار سهام در هندوستان بیش از ۵۰۰ واحد، حدود ۱۱ درصد، سقوط کرد که بیشترین کاهش از آغاز معاملات بورس در تاریخ این کشور بوده است.

سرمایه گذاران در مورد احتمال توقف برنامه های خصوصی سازی و ایجاد موانع در برابر سرمایه گذاری های خارجی، تحت نظر دولت جدید نگران هستند. این در واقع شروع برنامه های سرمایه داری جهانی برای فشار به دولت جدید، پیش از شروع کار آن است، تا از ایجاد تغییرات بنیادی جلوگیری کنند، و باید در انتظار حربه های بیشتری در جهت فشار به دولت، از سوی نیروهای داخلی و خارجی بود.

باید اذعان داشت که در نتیجه فشار های مستقیم و غیرمستقیم سرمایه داری در رابطه با انتخابات هند، بر خلاف انتظار همگان خانم سونیا گاندی از پذیرش مقام نخست وزیری سرباز زد. گرچه خانم گاندی در رابطه با دلایل خود در مورد عدم قبول پست نخست وزیر جدید هند به «صدا های درونی» اشاره کرد و واقعیت اینست که از همان لحظه مشخص شدن نتیجه انتخابات محافل راست ارتجاعی با هدف قرار دادن اصلیت ایتالیایی او نسبت به شروع یک غوغای نژادپرستانه اخطار داده بودند. سرمقاله روزنامه تایمز مالی در روز ۲۵ اردیبهشت ضمن تبریک به خانم گاندی به او توصیه کرد که بهتر است پست نخست وزیری را به «مانموهان سینگ»، معمار رفرفرم های بازار آزاد در هند که در سال های اول دهه ۹۰ میلادی وزارت اقتصاد دولت کنگره را به عهده داشت، واگذار نماید. در روز اول خرداد ماه «مانموهان سینگ» که قرار بود پست وزیر اقتصاد را در کابینه خانم گاندی به عهده بگیرد، به عنوان نخست وزیر جدید هند معرفی شد.

هدف و شعارهای احزاب چپ و سکولار در این انتخابات، منزوی کردن نیروهای قوم گرا، ایجاد سیاست اقتصادی بر پایه تامین منافع زحمتکشان و دست یابی به یک سیاست خارجی مستقل بود. مردم با حمایت بی سابقه از این نیروها، نشان دادند که خواستار تحقق این اهداف هستند. این امری است که سبب نگرانی محافل سرمایه داری شد. «سرمایه» با سازمان دهی سریع سقوط ارزش سهام هند به بهانه عدم اطمینان به برنامه دولت جدید و ادامه رفورم های بازار آزاد، شرایطی را ایجاد کرد که توانستند در عرض سه روز و بر رغم آراء بیش از دویست میلیون نفر شهروند هندی، نخست وزیر مورد نظر خود را به مردم هند

تحویل کنند.

مانموهان سینگ، در سال ۱۹۹۱ در دولت راسیم ها راثو، نخست وزیر از حزب کنگره بود. او از مدافعین خصوصی سازی و رفورم های بازار آزاد در هندوستان است. او در دوران وزارت خود در سال ۱۹۹۱، خواستار «مقررات زدایی» در زمینه اقتصاد شد، که به مفهوم برداشتن موانع از سر راه سرمایه های خارجی و ایجاد «فضای مساعد» برای فعالیت بخش خصوصی، بود.

هرچند که برنامه های او را باعث رشد ۷ درصدی اقتصاد هند در این دوره می دانند، اما این نکته را به فراموشی می سپارند که همزمان با گسترش خصوصی سازی و صرفه جویی های دولتی، بیکاری در کشور سیر صعودی پیدا کرد و خدمات عمومی رو به کاهش گذاشت و شرایط زندگی مردم وخیم تر شد.

چنین انتخابی، در واقع تحمیل نظرات سرمایه داری جهانی در هندوستان است که آراء آگاهانه مردم طرفدار رفورم واقعی را خطری برای منافع خود نه تنها در هندوستان، بلکه در تمامی منطقه می داند. امپریالیست ها به خوبی می دانند که پیروزی نیروهای چپ و سکولار، علاوه بر تغییرات بنیادی که می تواند در داخل هند ایجاد کند، می تواند تاثیرات جدی در جغرافیای سیاسی-اقتصادی منطقه داشته باشد. همکاری نزدیک یک هند غیر متعهد با چین و روسیه و ایجاد یک بلوک اقتصادی خارج از کنترل آمریکا، که در برگیرنده بیش از ۲/۵ میلیارد انسان بر روی کره خاکی خواهد بود، در سال های اخیر به مثابه یک احتمال جدی در فعل و انفعالات سیاسی جهان مطرح بوده است. و این امری نیست که در راستای اهداف ایالات متحده و متحدان ناتوی آن برای آینده جهان باشد. تحولات ماه های آینده نمایشگر نتیجه این رویارویی دموکراسی هند و دیکتاتوری سرمایه خواهد بود. نقش نیروهای چپ در بسیج زحمتکشان و طراحی سیاست هایی که در عین حفظ وسیعترین اتحاد ها در مقابل بازگشت نیروهای ارتجاعی مقاومتی موفق را سازمان بدهند، در این رویارویی حیاتی می باشد.

## بیانیه رهبران حزب کمونیست (مارکسیست) هندوستان، حزب

### کمونیست هند و جبهه پیشاز

### پیرامون پی آمد انتخابات و تشکیل دولت

احزاب چپ خشنودی خود را از نتایج رای مردم در چهاردهمین انتخابات " لوک سابها" ابراز کردند. مردم با رای قاطع خود به شش سال دولت ناکارآمد «بی جی پی» BJP (حزب بهاراتیا جاناتا) خاتمه داده اند. مردم در این انتخابات حکم خود را علیه خط مشی قایم بر منافع قومی، سیاستهای اقتصادی زیانبخش دولت "واجایی" و همسویی با امپریالیسم صادر کردند. نه تنها حزب بهاراتیا جاناتا بلکه پشتیبانان فرصت طلب آنان نیز با خشم مردم روبه رو شدند. نیروهای چپ با تصاحب ۶۱ کرسی در مجلس به پیروزی بزرگی دست یافتند. پیامد انتخابات مهر تأییدی بر مبارزه بیگیر نیروهای چپ در دفاع از جدایی دین از حکومت (سکولاریسم)، منافع مردم زحمتکش و اعتراض به نفوذ امپریالیسم است. حکم حاصل، خاستگاه مردم را برای برپایی دولتی سکولار و میانه رو تبیین میکند. جدایی دین از حکومت یکی از شعارهای کلیدی در برنامه نیروهای چپ در کارزار انتخاباتی بود. از این رو احزاب چپ تصمیم گرفتند که پشتیبانی خود را از برپایی دولت ائتلافی به رهبری حزب کنگره گسترش دهند. احزاب چپ در حین گسترش پشتیبانی، وظیفه خود می دانند که هرگونه دسیسه بی از سوی «بی جی پی» و نیروهای قومی برای بی ثبات کردن دولت را نقش بر آب کنند. جهت سیاسی دولت جدید را، پی ریزی یک برنامه حداقلی مشترک معین خواهد کرد.

(برخی از رهبران حزب سوسیالیست انقلابی در این جلسه شرکت کردند. آنها در این جلسه به آگاهی دیگران رساندند که کمیته مرکزی این حزب برای تصمیم گیری پیرامون شرکت در دولت، نشستی خواهد داشت که نتیجه آن را به اطلاع دیگر احزاب چپ خواهند رساند.)

## پیروزی تاریخی نیروهای چپ در هند

مردمی دولت جدید پشتیبانی به عمل خواهد آورد. کمیته مرکزی حزب در همین راستا برنامه حداقل برای دولت جدید را معرفی کرد. در این برنامه حداقل از جمله آمده است:

۱- اقدام دولت برای خارج شدن از نفوذ نیروهای قوم گرا از دولت، آموزش و پرورش، تحقیقات و فرهنگ و همچنین بازسازی دولت و سازمان های آن بر مبنای اصول سکولار، مقدم بر همه چیز باید باشد.

۲- سیاست مستقل خارجی که معرف روش سنتی عدم تعهد هند باشد. این سیاست باید روابط خوبی را با همسایگان ما برقرار سازد و گفتگو با پاکستان را گسترش دهد.

۳- سیاست اقتصادی باید در جهت ایجاد رفاه برای مردم عادی، زحمتکشانش باشد و کشاورزی و ترقی زندگی تهیدستان در روستاها باید در اولویت قرار گیرد. بخش های عمومی باید مردمی شوند، اما نباید بخش های پول ساز آن خصوصی شوند.

انتخابات اخیر هند نه تنها از نظر داخلی، بلکه از نظر جهانی نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار بود. هند دومین کشور از نظر تعداد جمعیت، پس از چین، در جهان و سومین کشور آسیا از نظر اقتصادی است.

دولت دست راستی «بهاراتیا جاناتا»، در طول شش سال حاکمیت خود، با رشد خصوصی سازی، فقر و فلاکت را در کشور فلاکت زده هندوستان، به اوج خود رساند. ده ها هزار روستایی و بسیاری از زحمتکشانش به گرسنگی تا مرگ محکوم شدند. بیکاری به رقمی نجومی رسید و این امکان را به وجود آورد تا سرمایه های داخلی و خارجی با خرید نهادهای دولتی، ریشه های خود را در بخش های کلیدی اقتصاد هند گسترش دهند. در حال حاضر ۱۰ درصد جوانان یا بیکار هستند و یا شغل های نیمه وقت دارند. ۹ درصد کارگران کارخانه ها در بین سال های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۰، شغل خود را از دست داده اند. در بخش دولتی نیز تعداد شاغلین از تعداد ۳۷ میلیون و ۸۶ هزار در سال ۱۹۹۷-۱۹۹۸، به ۳۴ میلیون و ۲۱ هزار نفر در سال ۲۰۰۱-۲۰۰۲ کاهش یافته است.

فقر نیز همچنان رو به افزایش است. به ادعای دولت در سال ۱۹۹۹ بیش از ۲۶/۱ درصد مردم هند در زیر خط فقر زندگی می

ادامه در صفحه ۷

مردم هند در انتخابات پارلمانی این کشور که قریب سه هفته طول کشید، با دست رد زدن به سینه نیروهای سیاسی شبه فاشیستی و راست قوم گرا، امکان به قدرت رسیدن نیروهای مردمی ترقی خواه به رهبری حزب کنگره هند و تحت حمایت مستقیم احزاب کمونیست این کشور را فراهم کردند.

نتایج اعلام شده انتخابات، حاکی از این است که از ۵۳۹ کرسی اعلام شده، حزب کنگره و موآلفان آن، ۲۱۷ کرسی و ائتلاف نیروهای راستگرا، ۱۸۵ کرسی را نصیب خود کردند. پارلمان هند ۵۴۵ کرسی نمایندگی دارد که دوتن از آنان توسط رئیس جمهور تعیین می شود. حزب راستگرای «بهاراتیا جاناتا» که در شش سال گذشته قدرت دولتی را در دست داشت، با از دست دادن ۹۰ کرسی خود، مجبور به کناره گیری از قدرت شد. دو حزب کمونیست هند با افزودن ۱۶ کرسی به تعداد کرسی های خود نسبت به انتخابات پارلمان قبلی، در مجموع ۵۳ نماینده به پارلمان می فرستند. نزدیک به ۲۷ میلیون نفر از رای دهندگان آرای خود را به نفع کاندیداهای کمونیست به صندوق های رای ریختند.

کمیته مرکزی حزب کمونیست هند در بیانیه خود پس از تبریک به مردم هندوستان، گفت: «پیروزی چپ طبیعت مثبتی داد. این رای مثبتی است در پاسخ به مبارزه پیگیر چپ برضد سیاست های نژاد پرستانه نیروهای قوم پرست، زیرا که چپ مبارزات مردم در دفاع از زحمتکشانش، فقرا، جوانان بیکار و برضد سیاست های خصوصی سازی، نشو لیبرالیسم و «جهانی شدن» سرمایه داری را رهبری کرده است. این رای مشخص در اثبات نقشی است که چپ در روزهای آینده باید ایفا کند».

رهبری حزب کمونیست هندوستان در اظهاراتی که دال بر حمایت نیرومند آن از یک دولت ائتلافی ترقی خواه حزب کنگره هند و متحدان آن است، خاطر نشان ساخت: «نیاز روز ایجاد یک دولت ائتلافی سکولار است، بدور از هرگونه جنگ و جدالی و بر پایه یک برنامه حداقل مشترک که در ارتباط مستقیم با نیازهای پایه ای فوری مردم باشد. نباید اجازه داد که ثبات دولت و ثبات کشور در محافل بین المللی و اقتصادی مورد هیچگونه شکی قرار بگیرد».

هیئت سیاسی حزب کمونیست هند (مارکسیست) در بیانیه پس از انتخابات خود از مردم هند به خاطر وارد کردن این شکست تاریخی به نیروهای راست، تبریک گفت. رفقای هندی «این انتخابات را موفقیتی تاریخی» قلمداد کردند، چرا که تعداد کرسی های تصاحب شده انتخابات توسط حزب کمونیست هند (مارکسیست)، حزب کمونیست هند و سایر نیروهای چپ، مجموعاً ۶۱ کرسی، در تمامی انتخابات ۵۵ ساله از زمان استقلال این کشور تا کنون، بی سابقه بوده است. رهبری حزب برادر که در منطقه بنگال غربی و کرا لا قدرت را در دست دارد در اظهاراتی که نشان از حمایت همه جانبه آن از تشکیل یک دولت ائتلافی دارد، اضافه کرد: «همه نیروهای سکولار به شکست بی سابقه حزب هندوهای افراطی «بهاراتیا جاناتا» و موآلفانش کمک کردند. این امر برای همه احزاب سکولاری که چنین پیروزی مهمی را به ثبت رساندند، ضرور و واجب است که با هم متفق شده و یک دولت با ثبات جایگزین را ایجاد کنند. هیئت سیاسی حزب کمونیست هند (مارکسیست)، در راستای خواسته ها و آرمان مردم، در جهت احقاق چنین هدفی عمل خواهد کرد».

حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست)، در بیانیه ای که پس از پیروزی انتخابات داشت، ضمن پشتیبانی از تشکیل دولت توسط حزب کنگره، اعلام کرد که در دولت شرکت مستقیم نخواهد داشت و به عنوان یک حزب مستقل، از برنامه های مترقی و

### کمک های مالی رسیده

به مناسبت اول ماه مه رفقا از برلین ۵۰۰ یورو  
به یاد قهرمان ملی ایران  
خسرو روزبه و یارانش ۱۵۰ یورو

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هر گونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany  
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK  
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

**Nameh Mardom-NO 687**  
**Central Organ of the Tudeh Party of Iran**

25 May 2004

شماره فاکس و  
تلفن پیام گیر ما  
۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام IRAN e.V.  
شماره حساب 790020580  
کد بانک 10050000  
بانک Berliner Sparkasse